

اختلاف ترامپ و نتانیاهو چقدر جدی است؟



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

رسانه‌های آمریکایی و اسرائیلی این روزها سرشار از گزارش‌هایی است که از اختلافات عمیق بین دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو خبر می‌دهند. طبق این گزارش‌ها، ترامپ و نتانیاهو بر سر جنگ در نوار غزه به‌خصوص محتوای یک توافق احتمالی با ایران به‌شدت اختلاف‌نظر دارند و گفت‌وگوهای تلفنی آنها بعضاً داغ، چالشی و مجادله‌آمیز می‌شود. وجود چنین اختلافاتی معمولاً مورد انکار منابع دولتی هر دو طرف قرار می‌گیرد و با اتکا به اظهارنظرهای رسمی نیز به‌سختی می‌توان مورد معناداری از آن به‌دست داد. در اظهارنظرهای رسمی، سران دولت آمریکا به‌طور مرتب بر حمایت همه‌جانبه‌شان از اسرائیل تأکید می‌کنند و مقام‌های اسرائیلی نیز به‌نوبه خود حمایت دولت ترامپ از «دولت عبری» را بی‌سابقه و بیش از هر دولتی در طول تاریخ ایالات‌متحده اعلام می‌کنند. در این میان تنها اظهارات کریستی نوم، وزیر امنیت داخلی آمریکا شاید قابل تأویل به‌نوعی اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو باشد. او پس از سفر اخیرش به اسرائیل اعلام کرد که «پیام بسیار صریحی» را از جانب ترامپ به نتانیاهو منتقل کرده است. درواقع این «پیام صریح» درخواست اکید ترامپ از نتانیاهو برای همراه و هم‌نظر شدن با او درباره روند مذاکرات هسته‌ای با ایران و اهمیت اتحاد بین آنها بوده است. طبق گفته خاتم نوم، ترامپ به نتانیاهو اطمینان داده است که او «هرگز ایران هسته‌ای را نخواهد پذیرفت و اجازه نخواهد داد ایران به صلاح یا ظرفیت هسته‌ای دست یابد. آمریکا اطلاعات امنیتی درباره ایران را با اسرائیل به اشتراک می‌گذارد و این تبادل، پایه گفت‌وگوهای راهبردی آنهاست. رئیس‌جمهور آمریکا خواهان صلح است، اما صلحی که در آن ایران به توان هسته‌ای نرسد. او همچنین می‌خواهد نخست‌وزیر نتانیاهو با این سیاست هم‌مسیر و هماهنگ باشد.» از فحوائ کلام وزیر امنیت داخلی آمریکا چنین برداشتی می‌شود که نتانیاهو از «پنهان کاری» تیم ترامپ در مذاکراتش با ایران نگران است و از آن بیم دارد که ترامپ بدون جلب‌نظر و رضایت اسرائیل، توافقاتی را با جمهوری اسلامی به امضاء برساند. ترامپ اما در «پیام صریح» خود به نتانیاهو به او اطمینان داده است که قصد پنهان کردن چیزی از اسرائیل یا «دور زدن» دولت آن را ندارد، بنابراین نتانیاهو نباید از روی ترس در روند مذاکرات خرابکاری کند.

درواقع تاکنون در اظهارنظرهای رسمی مقام‌های آمریکایی درباره محتوای توافق احتمالی با ایران، نکته‌ای بیان نشده است که بتوان آن را محل بر اختلاف معنادار آنها با نخست‌وزیر اسرائیل کرد. بدون تردید بین دو طرف اختلاف‌های جزئی و تاکتیکی وجود دارد اما تصور آنکه دولت ترامپ به توافقی با ایران تن در دهد که راستگرایان اسرائیلی آن را یک «توافق بد» بدانند، خیلی دور از

ذهن به‌نظر می‌رسد. این موضوع در مورد نوار غزه هم از هر جهت مصداق دارد. هرآنچه تاکنون از زبان مقام‌های دولت ترامپ درباره شرایط پایان جنگ، آزادی گروگان‌ها، آینده حماس و سرنوشت مناطق فلسطینی بیان شده است یا شبیه مواضع اعضای دولت نتانیاهو یا چیزی حتی تندر از آن بوده است. به عبارت دیگر، هر دو طرف یک چشم‌انداز واحد را برای آینده مناطق فلسطینی ترسیم می‌کنند و اختلافات آنها در این باره به قدری بی‌اهمیت و جزئی است که کاملاً قابل صرف‌نظر است!

در ماه‌ها و هفته‌های اخیر تنها نکته مثبتی که ترامپ درباره مردم غزه مطرح کرده، اشاره به وضعیت وخیم زندگی و گرسنگی آنها بوده است. با این حال، ترامپ راه نجات مردم غزه از گرسنگی و فلاکت را همچنان در خروج آنها از این منطقه یا لزوم تقویت «بنیاد انسان دوستانه غزه» برای کمک‌رسانی به مردم آنجا می‌داند. «بنیاد انسان دوستانه غزه» در حقیقت سازمانی تحت کنترل آمریکا و اسرائیل است که اخیراً به‌عنوان جایگزین «آنروا» تأسیس شده است. دولت نتانیاهو با طرح اتهام نفوذ حماس در آنروا، فعالیت این اژانس بین‌المللی که سال در سرزمین‌های فلسطینی را غیرقانونی اعلام کرد، بدون آنکه اجازه فعالیت یک نهاد بین‌المللی جایگزین را بدهد. در مقابل، آمریکا و اسرائیل برای توزیع مواد غذایی در بین مردم نوار غزه، اقدام به شکل‌گیری نهادهی کرده‌اند که از نگاه مدیران سازمان ملل، از بی‌طرفی لازم بر خوردار نیست و نوع کمک‌رسانی آن سبب جابه‌جایی جمعیت در نوار غزه می‌شود. درواقع «بنیاد انسان دوستانه غزه»، توزیع محدود مواد غذایی را در جنوب این منطقه متمرکز کرده است تا ساکنان نواحی شمالی برای دستیابی به مواد خوراکی، راهی جز ترک چادرهای خود و عزیمت به مناطق جنوبی را نداشته باشند. دولت ترامپ حامی اصلی این نهاد است و برای جذب کمک‌های مالی کشورهای عرب به آن تلاش می‌کند. در سایر حوزه‌های مربوط به مسئله فلسطین نیز وضع بهتر از این نیست. برای نمونه، اسرائیلی‌ها روزهای ۲۵ و ۲۶ ماه مه میلادی را «روز اورشلیم» نام نهاده‌اند و با تعطیل رسمی این روزها، اشغال بخش شرقی و عرب‌نشین بیت‌المقدس را در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ تحت عنوان «وحدت دوباره پایتخت ابدی اسرائیل» جشن می‌گیرند. در «روز اورشلیم» معمولاً یهودیان افراطی با راهپیمایی در مناطق عرب‌نشین بیت‌المقدس و تجمع در محوطه مسجدالاقصی، شعارهای نژادپرستانه و رفتارهای هیستریک از خود نشان می‌دهند. امسال به‌مناسبت «روز اورشلیم» مایک هاکی، سفیر آمریکا در اسرائیل، چنان ستایش شورمندانهای از اشغال بیت‌المقدس شرقی در جنگ ژوئن به عمل آورد که چیزی کم از مواضع ایتنا مار بن گویر و نیزال اسموتریج، رهبران احزاب فوق‌افراطی اقتدار یهود و صهیونیست مذهبی نداشت! با چنین شرایطی، گزارش روزنامه‌سازها از اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو اگر به قصد سرگرمی نباشد، امری عمدتاً پوچ و فاقد محتواس!

خبر بین الملل

ترامپ: به توافق با ایران نزدیک هستیم

گروه خبر: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به تماس تلفنی اخیرش با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: «من به نتانیاهو درباره حمله به ایران هشدار دادم و گفتیم که ما به توافق و راه‌حل نزدیک هستیم و ایران خواستار یک توافق است.» طبق گزارش خبرگزاری ریانوستی، رئیس‌جمهور آمریکا افزود: «توافق با ایران احتمالاً طی هفته‌های آتی حاصل می‌شود و من به نتانیاهو این مسئله را عنوان کردم که ما به راه‌حلی در خصوص ایران نزدیک هستیم. من همچنین به او گفتم که انجام اقداماتی علیه ایران، نامناسب است زیرا ما به توافق نزدیک هستیم، البته شاید این

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



رهبری: باید به استانداران اختیار داده شود

مردم است که باید به میان مردم رفت و در اجتماعات آنها حاضر شد و سخنان آنها را حتی اگر تند باشد با حوصله شنید و به آنها توضیح لازم داده شود». آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، استاندار را «مسئول همه امور استان همچون تولید، محیط زیست، خدمات شهری، بازار چیه‌ای

گروه خبر: مقام معظم رهبری دیروز در دیدار وزیر کشور و استانداران، با تأکید بر اینکه «استانداران مدیر همه‌جانبه استان هستند»، فضای عمومی کشور را «برای خدمت مناسب و فرصت‌ها را زیاد» دانستند و ضمن بیان برخی توصیه‌ها، گفتند: «یکی از موضوعات مهم موضوع

هادی حق شناس استاندار گیلان:

حضور بین مردم باید همراه با اختیارات باشد

این که باید با فساد بر خورد کند. اگر استاندار بخواهد با فساد بر خورد کند، باید ابزار داشته باشد. نکته چهارم این که با کشورهای همسایه ارتباط برقرار کند. نکته پنجم این که استاندار بتواند از ظرفیت مجامع بین‌المللی مانند بریکس و شانگ‌های استفاده کنند. اگر استاندار بخواهد از این ظرفیت استفاده کند، تهران باید هماهنگی‌های زیادی را انجام دهد. نکته ششم این که استانداران باید از محرمات فاصله بگیرند و منتشرع باشند. نکته هفتم، استفاده از منابع انسانی به‌ویژه جوانان بود. من به‌عنوان استاندار نمی‌توانم مشاور منصوب کنم چون مجوز جذب نیرو ندارم. اگر این اختیار جذب منابع انسانی به استانداران داده شود، می‌توانند به این فرمایش رهبری (استانداران از ظرفیت عظیم نیروی انسانی استفاده کنند)، جامع عمل بپوشانند. در مجموع اگر دولت به‌معنای خاص و تمام‌دستگاه‌ها به استانداران اعتماد کنند تا به فرمایشات رهبری جامع‌عمل بپوشانند، گام بزرگی در رفع موانع سیاسی، اجرایی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روابط با کشورهای همسایه و استفاده از ظرفیت‌های عظیم کشور برداشته می‌شود.»

استاندار گیلان با اشاره به توصیه مقام معظم رهبری مبنی بر جلوگیری از تعارض منافع، گفت: «این موضوع بسیار مهم است که باید مراقب بود تا خانواده‌ها وارد مسائل نشوند و تعارض معارف رخ ندهد. اتفاقاً این توصیه عین قانون است و به‌صراحت ذکر شده که ورود کارکنان و بستگان آنها به مناقصه‌ها و مزایده‌ها را منع کرده است. اگر این اتفاق رخ دهد، تعارض منافع رخ می‌دهد.»

حق‌شناس در پاسخ به این سوال که آیا افزایش اختیارات استانداران به احتمال افزایش تعارض منافع دامن نمی‌زند؟ تأکید کرد: «اختیارات در این راستا نیست که استانداران برای خود کسب‌وکار ایجاد کنند. اختیارات با این راهبرد است که مشکل مردم حل شود. قطب‌نمایی که مقام معظم رهبری رویه‌روی استانداران قرار دادند، منافع مردم است و افزایش اختیارات هم بر مبنای حل مشکلات مردم است، نه حل مشکل کارگزاران و استانداران.»



مسئولان نشان داده‌اند که بیش از آنکه حرف مردم را بشنوند، به سخنرانی تمایل دارند. هادی حق‌شناس، استاندار گیلان نیز در پاسخ به این سوال که استانداران چه راهکاری را در پیش بگیرند که سخنرانی، جایگزین شنیدن حرف مردم شود؟ به هم‌میهن گفت: «حرف شما درست است و برخی از مسئولان سخنرانی را دوست دارند. اما مسئولان به حضور میان مردم هم تمایل دارند. نکته کلیدی دیگر این است که مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی، اتکای نظام سیاسی بر مردم است. ممکن است اتکای برخی از نظام‌های سیاسی به قدرت نظامی باشد، برخی قدرت اقتصادی و برخی دیگر درآمد نفتی. اما نظام جمهوری اسلامی متکی بر مردم‌سالاری است. هر چقدر با مردم باشیم و به آنها اتکا کنیم، به‌نفع نظام سیاسی است و به تعبیر مقام معظم رهبری، مردم در مشکلات به کمک می‌آیند.»

او افزود: «نکته ظریف این است که حضور مقامات بین مردم باید همراه با اختیارات باشد. وقتی مقام‌مسئولی با مردم ارتباط می‌گیرد، طبیعتاً مردم مسائل و مشکلات خود را مطرح می‌کنند. آن مقام مسئول اگر اختیاری برای حل مسئله نداشته باشد، متهم به فرصت‌طلبی می‌شود و می‌گویند: «آمد، شنید اما کاری نکرد.» آمدن مسئولان بین مردم باید همراه با رفع مشکلات و حل مسئله باشد. وگرنه حضور مسئولان بین مردم بدون آن که مسئله‌ای را حل کنند، مدنظر رهبری نیست. به همین دلیل به‌نکته دیگری اشاره کردند که: «روای جمهوری می‌خواستند اختیارات واگذار کنند، اما برخی از وزرا این کار را نکردند و استانداران مسئول تمام امور هستند.» این که استانداران مسئول تمام امور هستند حرفی بسیار مهم است. همه انتظار دارند که استاندار نفر اول استان باشد و مسائل را حل کند، اما حل کردن نیاز به اختیارات دارد. نه‌تنها وزرا بلکه تمام نهاده‌ها و دستگاه‌ها باید اختیارات خود را به استاندار بدهند تا مشکلات به‌تدریج حل شود.»

حق‌شناس با بیان این که بیانات مقام معظم رهبری حاوی ۷ نکته کلیدی بود، تأکید کرد: «اولین نکته این است که استاندار مسئول همه امور استان از محیط‌زیست تا بازار چیه‌های مرزی است. نکته دوم این که باید به استانداران اختیارات داده شود. نکته سوم

پیام رمزی پادشاه

گروه خبر: سفر پادشاه بریتانیا به کانادا و حضور او در مراسم افتتاح دوره جدید پارلمان این کشور، به‌عنوان یک مواجهه نمادین و آشکار با سیاست‌های دونالد ترامپ از سوی لندن، مورد توجه قرار گرفته است. در روزهایی که ترامپ همچنان در توثیت‌ها و مصاحبه‌هایش از کانادا به‌عنوان استان پنجاه‌ویکم ایالات متحده آمریکا یاد می‌کند؛ چارلز سوم، پادشاه بریتانیا، در اولین سفر خود از زمان تاجگذاری به کانادا سفر کرد و چنان که بی‌بی‌سی گزارش کرده، از او با تشریفات کامل استقبال به عمل آمد. اما مهم‌تر از تشریفات استقبال که از سوی کشورهای مشترک‌المنافع در مقام‌میزبانی مقام سلطنتی انگلستان امری طبیعی است؛ اتفاق بی‌سابقه آن بود که چارلز، در مقام پادشاه کانادا، روز سه‌شنبه در ساختمان پارلمان فدرال این کشور در اتاوا حضور یافت و با ایراد «خطابه از تخت سلطنت» چهل‌وپنجمین دوره پارلمان را افتتاح کرد. چارلز علاوه بر بریتانیا، رئیس‌کشور کانادا و ۱۲ کشور و قلمرو دیگر جامعه‌کشورهای مشترک‌المنافع از جمله استرالیا، نیوزیلند و تعدادی از کشورهای حوزه کارائیب هم هست. صبح روز سه‌شنبه، پادشاه و ملکه کامیلا با همراهی اسکورت سلطنتی به سمت مجلس سنای کانادا رفتند و با تشریفات کامل نظامی از جمله حضور گارد احترام ۱۰۰ نفره از گردان سوم هنگ سلطنتی کانادا، گروه موزیک نظامی و شلیک ۲۱ تیر توب از او استقبال شد. اندکی پس از

ساعت ۱۱:۰۰ به وقت محلی، پادشاه خطابه از تخت سلطنت را ایراد و به این ترتیب، رسماً چهل‌وپنجمین دوره پارلمان کانادا را افتتاح کرد. زوج سلطنتی پس از آن برای ادای احترام به سربازان کشته‌شده کانادایی در جنگ‌ها در محل بنای یادبود ملی جنگ در اتاوا حضور یافتند.

خطابه از تخت سلطنت چیست؟

معمولاً مراسم افتتاحیه دوره‌های قانونگذاری پارلمان کانادا با حضور و خطابه فرماندار کل کانادا، که نماینده عالی پادشاه در آن کشور است، برگزار می‌شود. این خطابه شامل برنامه دولت در دوره مورد نظر پارلمان است و در واقع خطابه‌ای که پادشاه یا فرماندار کل ایراد می‌کنند توسط هیئت دولت و نخست‌وزیر، که در رأس دولت منتخب قرار دارد، تدوین می‌شود. مجلس عوام و سنای کانادا تا قبل از افتتاح رسمی پارلمان و استماع خطابه از تخت سلطنت، نمی‌توانند کار خود را در دوره جدید آغاز کنند. سخنرانی فرماندار کل یا پادشاه به این دلیل خطابه از تخت سلطنت نامیده می‌شود که معمولاً فرماندار کل، یا پادشاه در صورت حضور در مراسم، بر آن جلوس می‌کنند و برنامه دولت برای دوره پیش روی پارلمان را می‌خوانند. در حال حاضر، مری سایمون، فرماندار کل کانادا و نماینده پادشاه در آن کشور است. اما برای این دوره پارلمان، مارک کارنی، نخست‌وزیر که به‌تازگی با پیروزی خود در انتخابات پارلمانی به این سمت انتخاب شده، از شخص پادشاه برای افتتاح دوره جدید پارلمان دعوت به عمل آورده است. البته، ایراد خطابه از تخت سلطنت توسط پادشاه در مراسم افتتاح پارلمان کانادا بدون سابقه

ادامه سر مقاله

پس تحقق کامل این هدف معقول به‌صورت فردی ممکن نیست و این فرآیند باید از طریق رسانه رسمی و فرآگیر صورت گیرد و مشمول همه اعضای دولت و غیر آن شود. بدون رسانه آزاد و مورد اعتماد مردم، اقناع عمومی از طریق گفت‌وگوهای فردی بسیار کم‌اثر و ناپایدار است. پس استانداران باید در اولین گام مسئله را از طریق صداسیمما و سایر رسانه‌های استانی پیگیری و حل کنند. در غیر این صورت همچنان این مشکل بار چار خواهد ماند. بعید است که با این صداسیمما بتوان چنین هدفی را تأمین نمود. نکته بسیار مهم دیگر، تأکید بر افزایش اختیارات استانداران است. واقعیت این است که نظام اداری ایران بسیار متمرکز است و همه راه‌ها به پایتخت ختم می‌شود ولی موضوع دیگری هم هست که هم‌زمان با این مسئله باید حل شود؛ عدم تناسب اختیارات با مسئولیت‌ها. این ویژگی خیلی زیان‌بارتر از فقدان اختیارات است. الان مسئولیت‌ها و انتظارات زیادی از استانداران وجود دارد در حالی که اختیارات آن مفقود است. به‌علاوه همه آنان نگران این هستند که بدلائل گوناگون سیاسی و غیر آن و بدلیل عبور از اختیارات خود محاکمه و محکوم شوند. افزایش اختیارات را باید متناسب انتظارات نمود و به مدیران نیز اعتماد نسبی داشت. این مسئله نه‌فقط در سطح استانداران بلکه در سطح وزارتخانه‌ها و دولت هم وجود دارد. نکته مهم دیگری که قبلاً هم مورد تذکر قرار داده‌اند، ضرورت مبارزه

با فساد و نفی فساد سیستمی در ایران است. فساد سیستمی دو تعریف کلی دارد که آنچه از جانب مقام رهبری نفی شده، نوع اول است و بعید می‌دانم افراد شاخصی باشند که مدعی وجود این نوع فساد سیستمی در ایران باشند. در این تعریف منظور فاسد بودن سیستم از بالا به پایین است که مسئولان آن جملگی یا اغلب فاسد هستند و عاقدانه و آگاهانه فساد می‌کنند. کمتر دیده شده که چنین فساد را به نظام نسبت دهند. ولی فساد سیستمی معنای دیگری دارد که اتفاقاً همه باید در رفع آن بکوشیم. تعریف دوم از این فساد ناظر به وجود مقررات و ضوابطی است که ناخواسته فساد را تقویت می‌کند. برای نمونه مقررات پرداخت وام و تسهیلات، قیمت‌های ارز، انرژی، مجوزهای گوناگون، امتیازات عجیب و غریب به افراد، نظام قیمت‌گذاری با شکاف‌های زیاد، نظام سهمیه‌بندی و... همه اینها عاملی هستند که ارتکاب فساد را تشدید می‌کنند. درواقع مقررات رانتی و تبعیض‌آمیز منشأ فساد است؛ مقرراتی که از طرف سیستم وضع شده، ولو تصویب آنها مبتنی به اهداف خیر خواهانه‌ای بوده باشد. واقعیت این است که با وجود مقررات فسادزا هیچ مسئولی قادر نیست که با فساد مبارزه موثر کند. سالم بودن و ماندن خودش خیلی خوب و ضروری است ولی مشکل را حل نمی‌کند. مقدمه لازم مبارزه با فساد، محو ضوابط و مقررات رانتی و فساد است.